

محاصره شیکانی کوانتوم

سعدینیری

بیست هزار بمب معمولی ایجاد شد که تا شعاع پانصد متری، هر موجود زنده و غیرزنده‌ای را تبخیر کرد! و بیش از صد هزار انسان و ده‌ها هزار جاندار دیگر در چند ثانیه به کام مرگ فرو رفتند. و این البته شروع ماجرا بود.

سه روز بعد، اتفاق مشابهی در شهر ناکازاکی رخ داد و مجموع قربانیان به بیش از دویست هزار نفر افزایش یافتند.

همه این فاجعه‌ها حاصل تلاش‌های یک دانشمند و تیمش بود: رابرت جی اوپنهاইمر. اوپنهاইمر که قبل از جنگ در رشته فیزیک کوانتومی در دانشگاه برکلی تدریس می‌کرد و به داشتن عقاید انسان‌دوستانه مشهور بود، با شروع جنگ، به دعوت ارتش

روز هشتم اوت سال ۱۳۲۴ (۱۹۴۵) به نظر می‌رسید یک روز عادی مانند تمام روزهای خنک تابستانی امپراتوری ژاپن است؛ ژاپنی که اینک اکثر مردان و پسران بالغش شهرها را ترک کرده و در دریا مشغول جنگ با متفقین بودند... ولی این روز یک روز معمولی نبود...

یک هواپیمای بوبینگ ۲۹ آمریکایی، ساعت هشت و ربع صبح بر فراز شهر هیروشیما در جنوب ژاپن ظاهر شد و بمب کوچکی حاوی یک کیلوگرم اورانیوم با غنای بالا را بر فراز شهر رها کرد. طولی نکشید که خورشید دومی در میانه صبح روشن شد! در اثر انفجار بمب، حرارتی بالای یک میلیون درجه و موج انفجاری قوی‌تر از

اوپنهاইمر جمله معروفی دارد که می‌گوید: اکنون من خود خود مرگ هستم! نابود کننده دنیاها!

آمریکا و با پیشنهاد مالی و سوسه‌کننده‌ای، به پروژه منتهن که پروژه‌های سری ساخت خطرناک‌ترین سلاح تاریخ بود، پیوست و طولی نکشید که مدیر ارشد آن شد. آن‌ها سه سال تمام روی پروژه کار کردند و زمانی که جنگ در اروپا به انتها رسیده بود، توانستند اولین بمب هسته‌ای را آزمایش کنند.

در واقع، آلمان نازی ماه‌ها قبل شکست خورده بود و ژاپنی‌ها هم حاضر به مذاکره برابر بودند. مشخص بود به زودی تسلیم می‌شوند و استفاده از بمب هیچ توجیهی نداشت. فقط موضوع این بود که نیروهای شوروی از شرق به سرعت در حال فتح متصرفات ژاپن بودند، ولی بیشتر حمله‌های دریایی آمریکایی‌ها ناموفق باقی مانده بود. به همین دلیل، ترومن، رئیس‌جمهور آمریکا، برای تحت فشار گذاشتن ژاپن و فتح زودهنگام آن، از ترس اینکه مبادا این منطقه مهم به دست رقیبشان بیفتد، دستور بمباران شهرهای بی‌دفاع این کشور را صادر کرد.

بسیاری از همکاران اوپنهاইمر از دیدن نتایج این بمب‌ها و اینکه چقدر برای بشریت خطرناک هستند و می‌توانند در خدمت میل سیاسی ابرقدرت‌ها قرار بگیرند، هراسناک شدند و این پروژه را ترک کردند، ولی اوپنهاইمر همچنان به مدیریت و توسعه این خطرناک‌ترین پروژه علمی تاریخ ادامه داد.

به زودی با تغییر دولت در آمریکا، میان اوپنهاইمر و دولت جدید اختلافاتی پدید آمد و او از مدیریت پروژه کنار گذاشته شد. بازگشت دوباره او به فضای دانشگاهی و دیدن بدنامی‌اش و حس نفرت دیگران، باعث شد بیشتر به نتایج فاجعه‌بار پروژه‌اش فکر کند. دوران ندامت و تغییر او از این زمان آغاز شد. در سال‌های بعد، اوپنهاইمر با توسعه بمب‌های جدید، از جمله بمب هیدروژنی، مخالفت جدی کرد و به عضو فعال مؤسسه‌های حقوق بشری و حمایت از قربانیان تبدیل شد؛ ولی همه این اقدامات او بی‌نتیجه و کار از کار گذشته بود! طولی نکشید که بمب اتمی به ابزار کسب منبع بی‌انتهایی از قدرت تبدیل شد که قدرت‌های جهان برای تولید، ذخیره و افزایش تعداد آن با هم رقابت می‌کردند. خیلی زود، با الهام از یافته‌های اوپنهاইمر و نتیجه تحقیقات او، حتی بمب‌هایی ساخته شدند که قدرت تخریبشان صدها برابر بیشتر از بمب هیروشیماست. اکنون تعداد بمب‌های ذخیره‌شده در رزادخانه‌های شرق و غرب بیش از تعداد مورد نیاز برای دوبار نابودی کامل جهان است!

هر چند اوپنهاইمر هیچ‌گاه از قربانیان هیروشیما و ناکازاکی عذرخواهی نکرد، ولی عذاب وجدان و افسردگی تا آخر عمر گریبانگیر او بود و فعالیت‌های مثلاً بشردوستانه هم، مرهم خوبی برای تسکین این درد درونی‌اش نبود. بدترین بخش ماجرا این بود که هیچ اطمینانی هم وجود نداشت با بمب‌هایی که او اختراع کرده بود، فجایع بدتر از این در آینده صورت نگیرند! او جمله معروفی دارد که می‌گوید: اکنون من خود خود مرگ هستم! نابودکننده دنیاها!

نابودگر دنیاها در نهایت خودش هم قربانی تحقیقاتش شد و در

شصت و دو سالگی در اثر سرطان ناشی از کار با مواد پرتوزا درگذشت و یادگاری شوم از خود برای بشریت باقی گذاشت. اکنون میراث اوپنهاইمر بیش از بیست هزار بمب اتمی کوچک و بزرگ است که در جای‌جای جهان انبار شده‌اند و کشورهای مدعی ابرقدرتی، برای توسعه و نوآوری و ساخت هر چه بیشتر آن، با هم در رقابت هستند.

دنیای بعد از اوپنهاইمر با دنیای قبل از او بسیار متفاوت و دنیایی است بسیار خطرناک و هر لحظه در انتظار ترکیدن! دانشمندی که می‌توانست به عنوان پدر علم کوانتوم شناخته شود، اکنون به نام پدر مرگ و نابودی شناخته می‌شود. هر چند که پشیمان شد و بسیار تلاش کرد این‌گونه نباشد، ولی بعضی کارها بازگشت‌ناپذیرند و همیشه فرصت اصلاح وجود ندارد.

(تهدید هسته‌ای و باجگیری ابرقدرت‌ها از کشورهای مستقل، متأسفانه اکنون به مسئله‌ای تلخ و عادی بدل شده است، ولی طبق فتوای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، هر گونه استفاده تهاجمی از سلاح‌های کشتار جمعی و بمب هسته‌ای حرام شرعی است. در خاورمیانه، پاکستان و رژیم صهیونیستی

تنها دارندگان این سلاح هستند که هیچ‌گونه نظارت و بازرسی از تأسیسات مخفی‌شان را نمی‌پذیرند. در مقابل، برنامه هسته‌ای ایران زیر شدیدترین شیوه‌نامه‌های نظارتی سازمان ملل قرار دارد. مسئولان ارشد ما بارها هشدار داده‌اند که در صورت تغییر نکردن رفتار غربی‌ها و تهدید هسته‌ای مستقیم غرب و اسرائیل، ممکن است رویکرد هسته‌ای ما نیز برای حفظ امنیت و دفاع در برابر تهدیدات خارجی، طبق قاعده فقهی دفع ضرر محتمل، تغییر کند.)

دانشمندی که می‌توانست به عنوان پدر علم کوانتوم شناخته شود، اکنون به نام پدر مرگ و نابودی شناخته می‌شود. هر چند که پشیمان شد و بسیار تلاش کرد این‌گونه نباشد، ولی بعضی کارها بازگشت‌ناپذیرند و همیشه فرصت اصلاح وجود ندارد.

